

فصل‌نامهٔ جُندی‌شاپور، دانشگاه شهید چمران اهواز

سال سوم، شمارهٔ ۱۱، پاییز ۱۳۹۶

پزشکان جُندی‌شاپور^۱

جیل مارلو تایلر^۲
ترجمهٔ زهره رحیمیان^۳

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۲۰

یک زمانی پزشک فقیری از اهالی بغداد به نام اَسَد بن گنی بود که هرگز بیماران کافی و حتی یک بیماری واگیردار در طول دوره اش نداشت تا با آن خرج زندگی اش را درآورد، زیرا او فاقد ۳ صفت بود که هرکسی خواهان آن بود: او نه اهل سوریه و نه مسیحی بود و همچنین از محصلان دانشگاه جندی‌شاپور نبود: اول از همه به بیماران پاسخ می‌داد، من مسلمانم و این قبل از اینکه من پزشک بشوم و حتی قبل از تولدم آشکار بود، زیرا مسلمانان در علم پزشکی موفق نیستند. علاوه بر این من به جای صلیب، گابریل، یوحنا یا پرا، اَسَد نام دارم. عنوان افتخارآمیز من «أَبوالْحَرِیت» است، در حالیکه باید «أَبوعِیسی، أَبُو زَکْرِیَا یا أَبَوابْرَاهِیم» باشد. من لباس سفید پنبه ای می‌پوشم، اگرچه باید پیراهن ابریشمی سیاه بپوشم. من به جای معرفی خودم با زبان مردم جندی‌شاپور به زبان عربی صحبت می‌کنم.^۴

اگرچه این داستان توضیح می‌دهد که مردم قرن ۹ میلادی در بغداد، پایتخت جدید عباسیان (خلافت اسلامی)، ترجیح می‌دهند که پزشکان آنها ایرانی و از شهر جندی‌شاپور باشند، این هیچ توضیحی را

۱. این مقاله ترجمه ای است از:

Taylor, Gail Marlow. "The Physicians of Jundishapur," *e-Sasanika*, Graduate Paper 1, 2010.

۲. استاد دانشگاه ایروین کالیفرنیا

۳. کارشناس ارشد تاریخ اسلام از دانشگاه الزهرا (س) z.r1368@yahoo.com

۴. ابوعثمان عَمْرَبْن بَهْرَالْکَهْمِیز، کتاب ترجمه چارلز پَلْت (چاپ پاریس ۱۹۵۱) از داستانهای سال ۸۴۲_۸۳۷ است. وگرنه تمام ترجمه‌هایی که به زبان فرانسه و آلمانی بیان شده کار من است.

پیشنهاد نمی‌کند، هرچند از خواننده انتظار می‌رود که این مطالب را قبلاً بداند. چه چیزی این شهر و پزشکانش را معروف کرده‌است؟

جندی‌شاپور شهری طراحی شده و هم یک شهر باستانی بود. شاپور اول (۲۷۱-۲۴۱ میلادی) پادشاه شاهنشاهی ساسانی و فاتح دوباره شهر انطاکیه، اسرای زندانی یونانی - سوری‌ای را دوباره بخاطر پیروزی و شکست دادن امپراتور روم، والریانوس، سال ۲۶۰ میلادی به بیگاری گرفت که در نقش برجسته صخره ای بزرگ در نقش رستم این را یادآوری کرده‌است.^۱ دربارهٔ تأسیس جندی‌شاپور، مورخ ایرانی محمد طبری (۹۲۳-۸۳۸ میلادی) می‌نویسد: شاه آنجا یک انجمن واحد ساخت و نام (شهر و دایره) را «به از آندیدو ایی شاپور» را به آن داد؛ یعنی «بهتر از انطاکیه، شاپور» یعنی مکانی که کسی آن را جندی‌شاپور می‌نامد.^۲ شهر جندی‌شاپور برای مردم سوریه بعنوان پت لاپت مشهور است، که تقریباً در طول هزار سال پیشرفت کرد. هنوز در قرن ۱۳ میلادی، جغرافیدان سوریه ای، یاقوت حموی، گزارش داده که «من سرتاسر شهر را دفعات زیادی سیاحت کردم ولی آنجا هیچ چیزی برای دیدن وجود نداشت، حتی یک نشان».^۳ سال ۱۹۶۳ باستان شناسان از مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو یک نقشهٔ مربعی میله مانند، نقشهٔ کوچه‌های (راه‌های) جندی‌شاپور از عکس‌های هوایی رسم کردند.^۴ امروز حتی اینها باقی نمانده‌است. سال ۲۰۰۳ میلادی نویسندهٔ مستقلی (آندرو لاولر) اعتراض‌هایی از روی کینه به سازمان میراث فرهنگی ایران گزارش کرد که شهر جندی‌شاپور به کشتزار تبدیل شده‌است.^۵

1. Paul Schwarz, *Iran im Mittelalter nach den Arabischen Geographen* (Leipzig: Verlag von Wilhelm Heims, 1921), 346.

2. "Der König richtete dort einen eignen Kreis ein; und gab (de Stadt und dem Kreis) den Namen 'Beh-az- Andêw-i-Šâpûr', d.h. 'besser als Antiochia Šâpûr's'; das ist der Ort, den man Gundê- Šâpûr heisst». Theodor Nöldeke, *Geschichte de Perser und Araber zur Zeit de Sasaniden aus de Arabischer Chronik des Tabari* (Leyden: E. J. Brill, 1973), 41.

3. "Jäkût erzählt: 'Ich bin mehrmals durch die Stadt gekommen, aber man sieht nichts mehr davon, findet auch keinen Spuren.' " Schwarz, 349.

4. Robert McC. Adams, "Agriculture and Urban Life in Early Southwestern Iran," *Science* 136 (13 Apr.1962), 119.

5. Andrew Lawler, "Iran Reopens Its Past," *Science* 302 (7 Nov 2003), 972.

جُندی‌شاپور خیلی دور از پایتخت سلطنتی شوش در ایالت خوزستان در جنوب غرب ایران نبود، منطقه‌ای که بخاطر جلگه‌های حاصلخیزش مشهور بود و هر سال با آب رودخانه‌های گرَخه، جراحی و کارون آبیاری می‌شد. جغرافیدانان قرن ۹ و ۱۰ میلادی دربارهٔ منطقهٔ پَرآب اظهار نظر کردند. جغرافیدان ایرانی، ابن خُردادبه، به جُندی‌شاپور به عنوان یک مکان بسیار دوست‌داشتنی روی زمین اشاره کرد و مخصوصاً رودخانه‌های زیبایش را ذکر کرد.^۱ اصطخری نوشته‌است که «شهر در محیط حاصلخیزی واقع شده‌است و محصول و میوه فراوان دارد؛ درختان خرما و مزارع حبوبات (جو و گندم) فراوان و رودهای گوناگون وجود دارد»، درحالی‌که مقدسی می‌گوید، «در جُندی‌شاپور یک شهر ایالتی خوب و مهم بود».^۲ یک سیستم پیچیدهٔ آبیاری کاریزها، مزارع را از زمان اشکانیان آبیاری کرد و یک پژوهشی ترکیبی باستان‌شناسی و عکس‌های هوایی نشان می‌دهد که تحت جاکمیت ساسانیان که از سال ۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی بر ایران حکومت کردند، این کاریزها توسعه و گسترش یافتند. رابرت مک آدامز باستان‌شناس، سال ۱۹۶۳ گزارش داد که بقایای دیوارها (سدها) در این منطقه هنوز به رومیان ارجاع داده می‌شود و آثار جغرافی‌دانان عرب دورهٔ میانی نشان می‌دهد که ۷۰ هزار سرباز رومی که شاپور اول آنها را از اِیسا آورده بود، دیوارها را ساختند.^۳

خوزستان از ارتباط با بازرگانی بین‌المللی سود می‌برد و شبکه‌های مسافرتی امپراتوری ایران، به‌طور پیوسته در جریان دانش و محصول شرکت داشت. کشت انگور در این منطقه بعد از فتوحات اسکندر به وجود آمد. فیلسوف یونانی قرن اول، استرابو، دربارهٔ خوزستان یادداشت کرد که آنجا درخت مو (انگور) رشد نمی‌کرد تا اینکه مقدونیان آن را کاشتند.^۴ در قرن ۵ میلادی مورخ ارمنی، موسی خورنی رؤیت نیشکر (شکر) را شرح داد که از کشور هند آورده می‌شد، بار اول بعنوان دارو که در منطقهٔ رود کارون که به خلیج فارس می‌ریخت، کشت می‌شد.^۵ صنایع پارچه بافی مثل ابریشم، پارچهٔ ساتن، نوعی پارچهٔ

1. Schwarz, 348.

2. Istahri: "sie liegt in fruvhtbarer Umgebung und hat reiche Erträge; es gibt dort Palmen und Getreidefelder in Menge, auch mancherlei Wasserläufe». Mukaddasi: „Ġundaisābūr war eine blühende, bedeutende (Provinzial-Hauptstad)». Schwarz, 348-49.

3. Adams, 116.

4. Ibid. Note: On p. 117 there is a map of the irrigation canals which shows Jundishapur.

5. "Cultivation of Sugar in Persia," *Science* 14 (26 Jul 1889), 62.

ابریشمی، پنبه و پشم با اسکان دادن زندانیان آغاز شد.^۱ دیگر محصولات محلی که احتمالاً با سیستم آبیاری خوزستان به دست می‌آمد، شامل آلو، گلابی، هندوانه، انار، زیتون، مرکبات، خرما، برنج، گندم و جو است.^۲ علاوه بر این بیشتر استفاده‌های مرسوم آنها شراب، شکر، عسل، آلو، انار و لیمو که در جندی شاپور کشت می‌شد، که اجزای ترکیب دهنده مهم فرمول دارویی بودند که در بیمارستان جندی شاپور استفاده می‌شد، همراه با ترکیبات وارداتی مثل هل از مالابار، ریواس چینی، فندق از هند و سیب‌های سوریه ای.

به هرحال جندی شاپور امروز به دلیل محصولات فراوانش، صنایع پارچه‌بافی‌اش، یا بخاطر سیستم آبرسانی هنرمندانه که همه این موارد را ممکن می‌ساخت، بخاطر آورده نمی‌شود. این هیچ کاخ بزرگ یا معماری بنا و اثر تاریخی و ساختمان‌ها نداشت، این یکبار تصرف شد که با گذشت زمان به‌شمار آمد. جندی شاپور بعنوان مرکز یادگیری و مطالعه پزشکی معروف شد، بعد از قرن‌ها شهرت و اعتباری یافت که با خاستگاه بیمارستان به عنوان یک مؤسسه مربوط بود. دانشمند مستشرق، ریچارد فرای، توضیح می‌دهد «ساختار بیمارستان‌های اسلامی یا سیستم بیمارستان به نظر می‌رسد که براساس طرح جندی شاپور ساسانیان ساخته شده باشد و بعداً از بغداد، شیراز و جاهای دیگر نسخه برداری کرد».^۳ این نتیجه‌گیری سؤالی در سال‌های اخیر مطرح است.^۴ برخی دانشمندان به وجود آکادمی آموزشی یا مدرسه پزشکی در جندی شاپور شک کردند و اگرچه آنها راجع به تأسیس بیمارستان تحقیق نکردند، بحث و مناظره ای درباره نقش جندی شاپور بعنوان نمونه ای برای بیمارستان بغداد وجود داشت.^۵ به دلیل فقدان

1. Adams, 117.

2. Ibid.

3. Richard N. Frye, *The Golden Age of Persia: The Arabs in the East* (New York: Harper & Row, 1975), 163-64.

4. Cyril Elgood, *A Medical History of Persia and the Easter Caliphate from the Earliest Times until the Year A.D. 1932* (Cambridge: Cambridge University Press, 1951), 173.

5. Historians who have raised these questions include: Michael W. Dols, "The Origins of the Islamic Hospital: Myth and Reality, *Bulletin of the History of Medicine* 61 (1967): 367-90. Dols cites Peregrine Horden, "The Nestorians, Gondeshapur, and Islamic Medicine: A Skeptical Comment." 1983. Presented at the Summer Conference of the Society for the Social History of medicine in Oxford in May, 1985 on p. 371, FN 17. To my knowledge, this paper has not been published. Conrad, Lawrence I. "The Arab-Islamic Medical Tradition." In *The Western Medical Tradition 800 B.C. to*

بقایای باستان‌شناسی بیمارستان، امروز مورخان باید به اسناد و مدارک اعتماد کنند. به هر حال متون معاصر کمیاب هستند و منابع زیادی برای هردو بیمارستان در بغداد و مراکز یادگیری جُندی‌شاپور بعداً توسط مورخان و جغرافی‌دانان قرن ۱۲ و ۱۳ میلادی نوشته شد.^۱ این مقاله آنچه را که آنها درباره جُندی‌شاپور می‌گویند و اینکه چرا این شهر در تاریخ علم پزشکی به جایگاهی مهم رسیده است، بررسی می‌کند.

تاریخ علم پزشکی جُندی‌شاپور با مؤسس آن شاپور اول شاه ساسانی آغاز می‌شود. مانند شاهان بعدی ساسانی، شاپور اول هم پزشکان را با سنن پزشکی متنوع دعوت کرد. اُسقف سوریه، بارهبروس، می‌نویسد همسر شاپور دختر امپراتور روم، اورلیان (اورلیانوس)، پزشکان یونانی‌ای که دانش پزشکی بقراط را تدریس می‌کردند، به او رسیدگی می‌کردند.^۲ در سال‌های بعد، بعد از لشکرکشی‌های نظامی بسیاری که خسته و بیمار شده بود، شاپور اول به اهواز، شهری نزدیک جُندی‌شاپور در خوزستان، برگشت و پزشکی از هند برایش فرستادند. او از بهبودی‌اش آنقدر راضی بود که از پزشک جدیدش درخواست کرد تا در مکانی که دوست دارد، زندگی کند و پزشک هندی شهر شوش را انتخاب کرد.

مورخ قرن ۱۱ میلادی، ثعالبی، می‌نویسد: به این ترتیب مردم شوش با دانش مردم هند و یادگیری‌ای آشنا شدند، که آنها از پزشک هندی و زندانیان یونانی که نزدیک آنها زندگی می‌کردند، فرا گرفتند و یکی پس از دیگری در امتحان قبول شدند و ماهرترین پزشکان اهواز و فارس شدند.^۳ طبق این عبارت تفتیش ساکنان «زندان‌یان یونانی» در این منطقه قبلاً انجام شده بود و در قرن ۳ میلادی، در طول سلطنت شاپور

A.D. 1800, ed. Lawrence I. Conrad, Michael Neve, Vivian Nutton, Roy Porter, and Andrew Wear, 93-138. Cambridge: Cambridge University Press, 1990. Reprint, 1995.

۱. برخی از این موارد عبارتند از:

“Tarikh-ul-Hukama” by al Qifti (1172-1248), *History of Dynasties* by Bar Hebraeus (1226-86), and *Uyun ul-Inba*, a history of physicians, by Ibn Abi Usaybi’a (1203-69).

2. Elgood, 47.

3. “C’est ainsi que les gens de Sous, parce qu’ils s’étaient initiés à la science de cet Indien, qu’ils avaient reçu de lui et des prisonniers grecs qui demeuraient près d’eux la doctrine et qu’ils ont hérité la science médicale les uns des autres, sont devenues les plus habiles médecins de l’Ahwaz et du Fars.” Abou Mansour abd Abd al-Malik ibn Muhammad al-Tha’alibi, *Histoire des Rois des Perses*, trans. H. Zotenberg (Paris: Imprimerie Nationale, 1900): 531-32.

اول، یک اشتراک دانش پزشکی یونانی، هندی و ایرانی در منطقه جندی شاپور آغاز شده بود. داگلاس مورتون دون لپ مورخ، زمان تأسیس بیمارستان در جندی شاپور را تقریباً با زمان مرگ مانی، رهبر مانویان، می‌داند، همچنان که فردوسی در حماسه شاهان (شاهنامه) نقل کرده است: برطبق گفته فردوسی (شاهنامه، مسکو، ص ۲۵۲)، بدن مانی که به دستور بهرام دوم به قتل رسید، جلوی دیوار بیمارستان رها شد.^۱ به هر حال اکثر مورخان زمان تأسیس بیمارستان را تا حدی عقب برده‌اند.

اهالی بین‌المللی جندی شاپور و موقعیت مرکزی به درگیر کردن شهر در اثرات اختلاف امپراطوری ادامه داد. بعد از شورای شهر نسا که تثلیث را تعریف کرد، امپراتور بیزانس، زنو (۴۹۱-۴۲۵ میلادی)، مسیحیان نسطوری را عزل کرد، آسقف بزرگ استانبول پیروانش را از اِدسا اخراج کرد و دانشگاه آنها را در سال ۴۸۹ میلادی تعطیل کرد. الگود پراکندگی مسیحیان نسطوری را زمانی که آنها در ایران در جستجوی پناهگاه بودند، شرح داد: دانشمندان الهیات به نصیبین برگشتند (در زمان حکومت ایرانیان)؛ پزشکان برای اکثر مناطق به‌طور داوطلبانه به جندی شاپور تبعید شدند، شهری درون مرزهای ایران، شهری که چندین سال مرکز آسقف مسیحیان نسطوری بود و شهری که قبلاً یک دانشگاه داشت.^۲ افراد تازه‌وارد به زبان سریانی که از خانواده زبان آرامی بود، صحبت می‌کردند و زبان یونانی و عبری، زبان کتاب مقدسشان، را می‌دانستند. آنها که به جندی شاپور آمدند، متون فلسفی یونان آوردند و آثار پزشکی گالین و بقراط را به سریانی ترجمه کردند.^۳

مورخان بسیاری زمان تأسیس بیمارستان را به این دوره نقل می‌کنند. دانشمند مستشرق، ریچارد فرای، ورود مسیحیان نسطوری از اِدسا را در اوایل ساخت بیمارستان و مرکز آموزشی جندی شاپور قلمداد می‌کند.^۴ سیریل الگود (۱۸۹۲-۱۹۷۰) کتاب تاریخ خاندان‌ها اثر بارهیرائوس (۱۲۲۶-۱۲۸۶) نام می‌برد که به آموزش پزشکی جندی شاپور در قرن ۵ میلادی می‌پرداخت و ادعا می‌کند که شهر آن زمان بیش از یک دانشگاه داشت. بعداً الگود اشاره می‌کند که پادشاه ایران خسرو انوشیروان (۵۷۹-۵۳۱ میلادی) در قرن ۶

1. Douglas Morton Dunlop, "Bimarestan," in *Encyclopedia Iranica Online* 1990 available at www.iranica.com.

2. Elgood, 46.

3. Allen Whipple, "Role of the Nestorians as the Connecting Link Between Greek and Arabic Medicine," *Bulletin of the New York Academy of Medicine* (1936): 457.

4. Frye, 22.

میلادی بیمارستانی را ساخت و توسعه داد.^۱ مورخ قرن ۱۸ میلادی ادوارد گیبون به تأسیس آکادمی زمان خسرو اول باور دارد: در جُندی‌شاپور در همسایگی شهر سلطنتی شوش یک آکادمی پزشکی تأسیس شد که آهسته آهسته تبدیل به مدرسهٔ روشنفکر در زمینه شعر، فلسفه، علم معنی و بیان شد.^۲ هر ۳ مورخ با این نکته که جُندی‌شاپور مرکز یادگیری و پزشکی قرن ۶ میلادی بود، توافق نظر دارند.

مورخ عرب، قفطی (۱۱۷۲-۱۲۴۸ میلادی)، جُندی‌شاپور را بعنوان مرکز پزشکی ترکیبی و حاصل نوآوری توصیف می‌کند: آنها در علم، توسعه معالجات همراه با موضوعات داروشناسی پیشرفت زیادی داشتند، برای اینکه درمان آنها برتر از پزشکان یونانی و هندی قضاوت می‌شد. بعلاوه این پزشکان روش‌های علمی مردمان دیگر را اقتباس کردند و آنها را طبق کشفیات خودشان اصلاح کردند آنها قوانین پزشکی را با دقت توضیح دادند و کاری که آنها انجام دادند، نوشته شد.^۳

جُندی‌شاپور مرکز نکات مشترک ترجمه و دانش پزشکی بود که دانش پزشکی تمدن یونان و هند همراه با آداب و رسوم ایرانی و آرامی بود.^۴ مورخ ایتالیایی آلدو میلی می‌نویسد «شهر مرکز اتحاد دانشمندان و پزشکان یونانی، سوریه ای، ایرانی، هندی و یهودی بود که شاه ایران آنها را دعوت کردند و آنها از حمایتی که از آنها می‌شد، لذت می‌بردند».

شاهان ساسانی خصوصاً خسرو اول و خسرو دوم تبادل افکار در حوزهٔ فلسفه و علم را توسعه دادند. مورخ یونانی قرن ۶ میلادی آگاثیاس نقل می‌کند که چگونه خسرو انوشیروان، فیلسوف سوریه‌ای، اورانیوس، را از دربار ژوستین، امپراتور بیزانس، دعوت کرد تا با موبدان زردشتی خودش بحث و مناظره کند. اگرچه آگاثیاس به‌طور غیر چاپلوسانه، خسرو اول را توسط پزشکی زبان‌باز بعنوان فردی ساده‌لوح به تصویر کشید (این طرح پرافتخار از شاه بود، آگاثیاس بیان می‌کند که او شاگرد فلسفه بود ولی اساس دانش او کاملاً سطحی بود)،^۵ دیگر نویسندگان، علاقهٔ شاه را به مباحثه فلسفی تصدیق کرده‌اند.^۱ گیبون

1. Elgood, 51.

2. Robert Maynard Hutchins, *Great Books of the Western World*, vol. 41, *Decline and Fall of the Roman Empire* by Edward Gibbon (Chicago: William Benton, 1952), 40.

3. Al-Qifti, *Ta'rikh-ul-Hukama* (Lippert's ed.): Leipzig, 1903. Quoted in Elgood, 48.

4. Richter-Bernburg, "Gondesapur," in *Encyclopedia Iranica Online*, 2003, available at www.iranica.com.

5. Agathias, *The Histories*, Joseph D. Frendo, trans. (Berlin: Walter de Gruyter & Co., 1975), 65.

اظهار می‌کند که اگر حتی دانش فلسفی خسرو اول مشهور نبود، او شاهی بود که یادگیری را تشویق می‌کرد و مثالش حس کنجکاوی مردم هنرمند را بیدار می‌کند.^۲

بحث درباره فلسفه، ستاره‌شناسی و پزشکی، بخشی از زندگی درباری قرن ۶ میلادی شده بود. جی واکر می‌گوید: منابع متأخر عربی و فارسی این را تأیید می‌کند، مثلاً شباهت توجه سلطنت ساسانی به بحث‌هایی درباره موضوعات ستاره‌شناسی و پزشکی یونانی و هندی.^۳ حتی آگاتیاس آشکارا فرض می‌کند که خسرو اصرار می‌کند که گروهی شامل ۷ فیلسوف، زمان بازگشت آنها به بیزانس بخاطر تفاوت‌های دینی آنها، با آنها با تسامح برخورد کنند. آگاتیاس نکته ای را بیان می‌کند "که درحقیقت در معاهده ای درج شد که آن زمان بین امپراطوری روم (بیزانس) و ایرانیان منعقد شد، برای اینکه بر فلاسفه ای که اجازه داشتند تا به خانه‌هایشان برگردند و به زندگیشان در صلح ادامه بدهند، تأثیر بگذارند؛ بدون اینکه مجبور باشند، عقاید سنتی رایج خود را تغییر دهند یا هر دیدگاهی را که با آنها مطابق نبود، قبول کنند. خسرو در گنجایش این نکته تأکید کرد."^۴

قفطی شرح می‌دهد که زیر نظر خسرو دوم سال ۶۱۰ میلادی یک مجلس مناظره فلسفی پزشکی در جندی شاپور تشکیل شد.^۵ ریچتر برن برگ، گزارش می‌دهد: این انجمن توسط جبرئیل دُرستَبَد بعنوان پزشک مخصوص شاه سرپرستی شد، دیگر همراهان ممتاز سوفسطای و یوحنا بودند. جبرئیل یا گابریل، عنوان دُرستَبَد که دروستَبَد هم نوشته می‌شد، داشت، عبارت ساسانی که برای رئیس پزشکان بود.^۶ این بحث‌های پزشکی و فلسفی وضعیت جندی شاپور را بعنوان مرکز یادگیری ثابت می‌کند. بهرحال این بحث

1. J. Walker, "The Limits of Late Antiquity: Philosophy Between Rome and Iran," *Ancient World* 33 (2002): 22. (From the unpublished article).
2. Hutchins, 40.
3. Walker, 30.
4. Agathias, *ibid.*, 66.
5. Richter-Bernburg, "Gondesapur," in *Encyclopedia Iranica Online*, 2003, available at www.iranica.com.
6. Ahmad Tafazzoli, "Drustbed," in *Encyclopedia Iranica Online*, 1996, available at www.iranica.com. Elgood, 54-5.

از اواخر دوره ساسانی شکل گرفت. تنها ۲۶ سال بعد، سال ۶۳۶ میلادی، جندی‌شاپور به نیروهای مسلمان واگذار شد. بیمارستان زیر نظر خلافت اسلامی به کارش ادامه داد.

سال ۷۶۲ میلادی منصور خلیفه عباسی پایتخت خلافت را به بغداد منتقل کرد. تقریباً بلافاصله پیرو نزدیکی جندی‌شاپور به پایتخت، ارتباط شهر با بغداد توسط یک خانواده مسیحی نسطوری که پزشکان مهمی بودند، آغاز شد. اسم سریانی پهلوی میانه آنها بُختیشوع به معنی حضرت مسیح (ع) نجات یافت، بود که بعنوان نشانه اجتماع فرهنگی گوناگون خدمت می‌کرد و این منطقه ایران ساسانی را توصیف کرد.^۱ اولین پزشک مشهور در خانواده بُختیشوع که به درخواست منصور خلیفه عازم پایتخت جدید شد، جرجیس بن بُختیشوع رئیس بیمارستان جندی‌شاپور بود. سال ۷۶۵ میلادی جرجیس به بغداد سفر کرد و پسرش بُختیشوع را رئیس بیمارستان کرد.^۲ جرجیس قبل از اینکه فوت کند، به خانه اش برگشت ولی او به بهترین شکل ممکن به خلیفه خدمت کرد، زیرا پسر و نوه اش جبرئیل (گابریل)، در دربار بغداد در زمان جانشینان منصور دعوت شدند، تا به کار پزشکی بپردازند. جبرئیل جوان تر، ابن ندیم می‌نویسد: او بیشتر از هرکس دیگری پزشکی را یادگرفت، برای اینکه خلفا مادران بچه‌هایشان را به پرستاری او واگذار می‌کردند، که فقط به مهارت پزشکی اشاره نمی‌کند، بلکه او هم مردان و هم زنان را درمان می‌کرد.^۳ زمان خلیفه هارون الرشید (۷۸۶-۸۰۹ میلادی) خانواده بُختیشوع به‌طور فزاینده‌ای هم در دربار و هم در شهر شهرت کسب کردند.^۴ در این زمان بود که بیمارستان در بغداد تأسیس شد با سرپرستی هارون الرشید یا احتمالاً وزیر ایرانیش یحیی بن خالد.^۵ فرزندان جرجیس بن بُختیشوع به مشارکتشان در پزشکی در بغداد برای ۷ نسل و نزدیک ۳ قرن ادامه دادند. آبراهام یوحنا مورخ تعریف می‌کند: فرزندان بعدی این خانواده

1. Lutz Richter-Bernburg, "Boktisu," in *Encyclopedia Iranica Online*, 1990, available at www.iranica.com.

2. Elgood, 75.

3. Al-Nadīm, Muhammad ibn Ishāq. *The Fihrist: A Tenth-Century Survey of Muslim Culture*, vol. 2. Trans. and ed. Bayard Dodge. (New York: Columbia University Press, 1970), 697.

4. Ibid., 79.

۵. دانشنامه ایرانیکا می‌گوید قفطی و ابن ابی اُتیبیا به نقش هارون الرشید در تأسیس بیمارستان اشاره کردند. دالز به الفهرست ارجاع می‌دهد که از بیمارستان برمکی می‌گوید، که به وزیر مربوط است.

Encyclopedia Iranica, s.v. Boktisu; Michael Dols, "The Origins of the Islamic Hospital: Myth and Reality," *Bulletin of the History of Medicine* 61 (1987), 382.

بودند: پسر جبرئیل (متوفی ۸۷۰ میلادی)، یحیی یا جان (متوفی ۹۰۰ میلادی)، عبیدالله پسر جبرئیل (متوفی ۹۴۰ میلادی)، جبرئیل پسر عبیدالله که پزشک جسمی خلیفه عبود عبدالله، معلم دانشگاه پزشکی و رئیس بیمارستان بغداد بود (متوفی ۱۰۰۶ میلادی).^۱

آخرین فرزندان معروف، ابوسعید عبیدالله پسر جبرئیل پسر عبیدالله پسر بُختشیوع (متوفی ۱۰۵۸ میلادی) بود که بعنوان پزشک درباری به متوکل عباسی خدمت می‌کرد و چندین اثر نوشت که شامل خصوصیات پزشکی حیوانات می‌شد.^۲

خانواده بُختشیوع از جندی‌شاپور نه فقط بعنوان پزشکان بلکه بعنوان مدیران ماهر بیمارستان آمدند. هنوز آنها مدیران بیمارستان نشده بودند که به دربار بغداد دعوت شوند. جبرئیل نوۀ جرجیس بن بُختشیوع، توسط یک دارو ساز، به نام ابوزکریا یحیی بن مسویه (متوفی ۸۵۷ میلادی) که داروسازی را از پدرش یاد گرفته بود و تحت سرپرستی بزرگ خاندان مسیحیان نسطوری، ایشاب نون، مطالعه کرد، جانشین رئیس بیمارستان شد.^۳ فرصت‌ها در بغداد، خیلی سخت بود که پایداری کند، برای مسویه که به بغداد نقل مکان کرد، به علاوه جایی که او اعتبارش را برخلاف مشاجره با جبرئیل به دست آورد.^۴ این بحث به اعتبار و آبروی او زیانی نرساند، به هر حال چون طبق کتابنامه قرن ۱۰ میلادی، الفهرست ابن ندیم، مسویه به ۴ خلیفه خدمت کرد. او کتابهای پزشکی متنوعی را در موضوعات گوناگون منتشر کرد که عبارتند از «متعادل کردن داروهای ضد یبوست»، «معالجه سردرد»، «خلال دندان و خمیر دندان»، «درمان زنانی که باردار نمی‌شدند» که به اندوه مشترک بین انسانها که تغییر نمی‌کند، اشاره دارد.

حدوداً زمانیکه گهیز داستان غم‌انگیزی درباره پزشک بغدادی که با رقابت شدیدی بین پزشکان جندی‌شاپور مواجه شد، نوشت، یک پزشک ایرانی علی بن سهل زبان در تاریخ طبری در خلاصه پزشکی اش نوشت: رئیس بیمارستان جندی‌شاپور درباره خانواده ای در اهواز با من حرف زد که جان جنینی که

1. Abraham Yohannan, "A Manuscript of the Manafi al-Haiawan in the Library of Mr. J. P. Morgan," *Journal of the American Oriental Society* 36 (1916): 384.

2. Yohannan, 384.

3. Delacy O'Leary, *How Greek Science Passed to the Arabs* (London, Kean Paul, 2001), 163.

4. Elgood, 87.

در شکم زن باردار چسبیده بود، نجات داد.^۱ این حرف از سال ۸۵۰ میلادی ممکن است به این اشاره کند که دیگر پزشک جُندی‌شاپور به بغداد نقل مکان کرد و آخرین رئیس بیمارستان شاپور بن سَهَل یک پزشک اهوازی بود (متوفی ۸۶۹ میلادی) که نه تنها وظایفش، بلکه در گردآوری داروهای جُندی‌شاپور به بیمارستان بغداد همکاری داشت. شاپور قبل از سال ۸۵۱ میلادی گاهی به بغداد می‌رفت، جایی که به متوکل خلیفهٔ عباسی بعنوان پزشک دربار خدمت می‌کرد.^۲ کَهَل دربارهٔ شاپور می‌گوید: او عربی را خیلی بد با لهجه غلیظ خارجی صحبت می‌کرد.^۳ همچنان که دیدیم، لهجهٔ جُندی‌شاپور لزوماً برای یک پزشک بغدادی ضرری نداشت.

شبهه اجدادش مَسَوَیَه، شاپور بن سَهَل چشم‌انداز دارویی داشت. خوشبختانه شاپور کتاب فرمول جُندی‌شاپور را نوشت یا گردآوری کرد که یادداشت‌های پزشکی بکار رفته آنجا را تأمین می‌کرد. او ۳ نسخه متن داروشناسی نوشت: آکاربادین کبیر یا کتاب دستور داروسازی بزرگ شامل ۲۲ کتاب می‌باشد، بعلاوه کتاب ترکیبات دارویی متوسط و کوچک که از کتاب دستور داروسازی استاد اقتباس شده‌است.^۴ نسخهٔ کوتاهتر یا ترکیبات دارویی کوچکتر شامل دستورات ساخت ۴۰۸ ترکیبات دارویی است. خواندن تمام دستورالعمل‌ها، قالب داروها را که عرضه می‌شدند مشخص می‌کند (مثلاً دانه‌ها، روغن‌ها، شیاف‌ها) و انواع بیماری‌ها درمان شوند (مثلاً سرفه، کرم کدو، برآمدگی یا ورم). کتاب دستور داروسازی شاپور در متون خیلی قدیمی پزشکی اَنَدُلُس ذکر شد که بعنوان فرمول بیمارستان بغداد بکار می‌رفت.^۵

1. Alī ibn Sahl Rabbān at-Tabarī, *Firdausu l-Hikmat or Paradise of Wisdom*, ed. Muhammad Z. Siddiqi (Berlin and Charlottenburg: Sonne, 1928), 39, quoted in Dols, 377.

2. Oliver Kahl, *The Small Dispensatory: Translated from the Arabic Together with a Study and Glossaries (Islamic Philosophy, Theology, and Science)* (Leiden: Brill, 2003), 12.

3. Ibid.

4. Elgood, 92. Note:

کَهَل شاپور را بعنوان مسیحی نسطوری توصیف می‌کند، ولی اَلْکَوْد او را بعنوان ایرانی معرفی کرد که به نظر می‌رسد باورکردنی تر باشد، زیرا او اسم ایرانی داشت. بهر حال ابن ندیم نوشته که به دین مسیحیت فوت کرد. نک:

Al-Nadīm, Muhammad ibn Ishāq. *The Fihrist: A Tenth-Century Survey of Muslim Culture*, vol. 2. Trans. and ed. Bayard Dodge. (New York: Columbia University Press, 1970). 698.

5. Kahl, 29.

کتاب دستور داروسازی بزرگ جندی شاپور در بیمارستان آدودی بغداد اوایل قرن ۱۱ میلادی استفاده می‌شد، زمانیکه چندتا قلمرو را اصلاح کرد و اصلاح فرمول‌ها در قرن ۱۷ میلادی هنوز استفاده می‌شد.^۱ علاوه بر این شاپور ۵ متن پزشکی دیگر نوشت: ۱- داروهای جانشینی ۲- نوشیدنی‌ها و فواید و مضرات آنها ۳- مقالات و سخنرانی‌ها درباره خواب و بیداری ۴- خوراکی‌ها و خصوصیات زیان آور و سودمند آنها ۵- پاسخ به هون‌ها.^۲ کتاب دستور داروسازی شاپور، پیشرفت اتصال اهالی ایران، یونان و هند را که صفات پزشکی ساسانیان بود، ثابت می‌کند. مورخ آلمانی، آلبور کهل، که کتاب ترکیبات دارویی کوچک را به انگلیسی ترجمه کرد، تفکیک اصول علم صرف و محصولاتی که این تقسیم منابع را نشان می‌دهد فراهم می‌کرد: عربی ۳۸/۹ درصد، فارسی ۲۲/۶ درصد، یونانی ۱۲/۵ درصد، سانسکریت ۸/۱ درصد، سریانی ۴/۸ درصد و بقیه ۱۳/۱ درصد.^۳

ترکیب پزشکی یونان، هند و ایران با جندی شاپور شروع نشد. ساسانیان از متون پزشکی زردشتیان که با دانش یونان و هند یکسان بود، استفاده کردند. بابلی می‌گوید: در پزشکی بدیهی است که هر دو محققان یونانی و هندی مشارکت داشتند. لاو فر سهم داروشناسی ایرانی از منابع هندی یادآوری کرده است.^۴ نهضت ترجمه بغداد از اواسط قرن ۸ تا آخر قرن ۱۰ میلادی، پزشکی ایرانی، هندی و یونانی به تمدن عرب آورد، بلافاصله از زبان یونانی و سانسکریت یا از راه سریانی و فارسی میانه.^۵ به عبارت دیگر سریانی، زبان مسیحیان نسطوری جندی شاپور و پهلوی یا فارسی میانه زبان امپراطوری ساسانی، برای انتقال دانش پزشکی به زبان عربی خلافت اسلامی، وسیله ای بودند. مثلاً متون پزشکی سانسکریت (چرگه سَمهیتَه) از متن پهلوی (فارسی میانه) به عربی در قرن ۹ میلادی ترجمه شد، درحالیکه کتاب سوسوتا، سوسروتا سَمهیتَه و کتاب وگهاتا آستن گهر سَمهیتَه، بلافاصله از سانسکریت ترجمه شدند.^۶ نوشته‌های پزشکی پزشکان جندی شاپور حتی بعد از اینکه بیمارستان به اوج رسیده بود، معروف بودند. فهرست ابن ندیم قرن ۱۰ بسیاری از آنها را فهرست می‌کند. مؤلف دایرة المعارف پزشکی ایران، جرجانی،

1. Kahl, 29.

2. Kahl, 12-13.

3. Kahl, 24.

4. H. W. Bailey, *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books: Ratanbai Katrak Lectures* (Oxford: Clarendon Press, 1971), 81.

5. Kahl, 5.

6. Kahl, 8.

حدود ۱۲۵ اثر نوشت که به نسخه‌هایی اشاره دارد که در بیمارستان جُندی‌شاپور از روی عادت بکار رفته می‌شدند.^۱ پزشک ایرانی معروف، رازی (متوفی ۹۲۵ میلادی)، که اروپایی‌ها او را به‌عنوان رازس می‌شناسند، به متون پزشکی جُندی‌شاپور همراه با منابع یونانی و هندی در جلد ۲۵ کتاب پرهیزگاریش اشاره کرده‌است که بعنوان ارزشمندترین ۹ جلد در کتابخانهٔ دانشگاه پزشکی پاریس سال ۱۹۳۵ میلادی شناخته شده بود و در کتابخانه‌های مدارس پزشکی اروپایی قرن ۱۷ میلادی موجود بود.^۲ کتاب تقوا، نسخهٔ کتاب فرمول شاپور بعلاوه قطعهٔ منتخب یادداشت‌های جرجیس و نوهٔ جبرئیل خانوادهٔ بُختشیوع ذکر می‌کند.^۳ این نقل قول‌ها در کتاب رازی نه تنها دانش بسیار زیاد پزشکی جُندی‌شاپور که گسترش یافته بود، بلکه درمورد جرجیس آنها قطعات منتخب متون پزشکی نگه می‌داشتند که پزشکان جُندی‌شاپور آنرا نوشتند که برای طولانی مدت بعنوان کتاب خطی اختصاصی یافت نشد.

فقدان راهنمایی پزشکان از بیمارستان جُندی‌شاپور به پایتخت عباسیان در بغداد در قرن ۹ و ۸ میلادی ممکن بود که روزهای خوب بیمارستان را به پایان برساند، اظهار تأسف برانگیزانندهٔ الگود می‌گوید: سنت ساسانی این بود که در اثر خونریزی زیاد بمیرند که زندگی را به بچهٔ تازه متولد شده در صدر اسلام القا کند.^۴ در هر حال اشاره به بیمارستان تا قرن ۱۳ و ۱۲ میلادی ادامه داشت، مورخان ایرانی و عرب دربارهٔ اهمیت جُندی‌شاپور نوشتند. هنوز جُندی‌شاپور در تاریخش مفتخر و سرافراز بود. اسلام‌شناس آلمانی، لوتز ریچتر برن برگ (متولد ۱۹۴۵ میلادی)، یادآوری می‌کند: برخلاف کمبود اطلاعات مفصل و قابل اطمینان دربارهٔ اوضاع و احوال داخلی و منطقه ای دوران قبل از عباسیان، خوزستان و به خصوص شهر جُندی‌شاپور باید منطقهٔ مسیحیان نسطوری ایرانی-سوریه ای که مجبور به ترک مکان شدند، در نظر

1. Elgood, 50. Citing Al-Jurjani, *Thesaurus*, bk. X, 2.6

2. Edward Theodore Withington, *Medical History from the Earliest Times: A Popular History of the Healing Art* (London: The Scientific Press, 1894), 146. Robert P. Multhauf, *The Origins of Chemistry* (London: Oldbourne, 1966), 130.

3. Elgood, 92-3. Richter-Bernburg, "Boktisu," *Ibid.*, 1990.

کهل اسناد بسیاری را فهرست می‌کند، علاوه بر رازی کسانی که کتاب ترکیبات دارویی شاپور را ذکر کردند، عبارتند از: فیلسوف و پزشک ایرانی حسین بن عبدالله بن سینا (ابن سینا ۱۰۳۷ میلادی)، دانشمند ایرانی ابو ریحان محمد بن احمد بیرونی (متوفی ۱۰۵۰ میلادی) و گیاهشناس عرب آندلسی عبدالله بن احمد بن بایتر (متوفی ۱۲۴۸ میلادی). برای اطلاعات بیشتر نک:

Kahl, 29.

4. Elgood, 173.

گرفته شود، که بعداً نویسندگان کتاب‌شناسی بعنوان محصلان ارشد پزشکی معروف شدند.^۱ پزشکان جندی شاپور که به این شناسایی رسیدند، بطور چشمگیر تربیت شده پدیدار نشدند. آنها آشکارا سنت تربیت و آموزش داشتند، مقالاتی دربارهٔ پزشکی نوشتند که استفاده می‌شد و بسیار دور از اصل شهرشان ذکر می‌شد، و آنها اعتباری آنقدر زیاد داشتند که با اتحادشان با مؤسسه آبرومند همزمان با مزایا و هنرهای فردی انجام دهد. جندی شاپور شهری بین‌المللی و چهارراه امپراطوری ساسانی بود و مرکز پزشکی که پزشکانی مانند خانواده بختیشوع، مسویه و شاپور تربیت می‌کرد. موفقیت شغلی و آثار چاپ شده آنها مدرکی برای برتری رسمی بیمارستان جندی شاپور هستند.

1. Lutz Richter-Bernberg, "Gondesapur," *Encyclopaedia Iranica Online*, 2003, available at www.iranica.com.